



Interdisciplinary Legal Research

Jul 2020, 1(2): 66-85

Available online on: www.ilrjournal.ir

e-ISSN: 2717-1795

ORIGINAL RESEARCH PAPER

Legal Nature and Basis of Protecting “Knowhow”

Majid Sarbazian^{1*} 

Abstract

Background and Aim: “Knowhow” is a term that is less considered as the main subject of the contract. It is aimed at this article to explain the meaning and characteristics of this notion.

Materials and Methods: This is a descriptive Study.

Ethical Considerations: Honesty and confidentiality have been observed.

Findings: In general, “Knowhow” is a form of knowledge; it contains non-material goods; it cannot be registered; it possesses confidentiality; it is identifiable; it is transferable and has business value.

Conclusion: “Knowhow” is a kind of property and therefore one can own it; but it is not goods in action (*Ein*). The methods of protecting “Knowhow” are due to Tort and contractual responsibility.

Received:

23 May 2020

Revised:

11 Jun 2020

Accepted:

22 Jun 2020

Available Online:

01 Jul 2020

Keywords:

Knowhow,
Property,
Ownership,
Contract.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^{1*} Assistant Professor, Department of Law, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Email: Sarbazian20@gmail.com Phone: +989170616239

Please Cite This Article As: Sarbazian, M (2020). “Legal Nature and Basis of Protecting “Knowhow”. *Interdisciplinary Legal Research*, 1 (2): 66-85.



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)

مقاله پژوهشی

(صفحات ۶۶-۸۵)

ماهیت و مبانی حقوقی حمایت از دانش فنی

مجید سربازیان^۱

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. Email: Sarbazian20@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۹/۳/۳ ویرایش: ۱۳۹۹/۳/۲۲ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۲ انتشار: ۱۳۹۹/۴/۱۱

چکیده

زمینه و هدف: «دانش فنی» اصطلاحی است که کمتر به عنوان موضوع اصلی قرارداد مورد توجه واقع شده است فلذا تبیین مفهوم و ویژگی‌های آن هدف این پژوهش است.

مواد و روش‌ها: این مقاله به صورت توصیفی - تحلیلی نگاشته شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این تحقیق، اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: بطور کلی، دانش فنی، نوعی دانش است؛ مشتمل بر اشیای غیر مادی است؛ غیر قابل ثبت است؛ دارای وجهه محرمانگی است؛ دارای منفعت عقلایی است؛ قابل شناسایی است؛ قابل انتقال است و دارای ارزش تجاری است.

نتیجه‌گیری: دانش فنی نوعی مال است و می‌تواند به ملکیت فرد درآید هرچند که در زمره اعیان قرار نمی‌گیرد. شیوه‌های حمایت از دانش فنی نیز می‌تواند از طریق مسؤولیت مدنی و مسؤولیت قراردادی باشد.

کلمات کلیدی: دانش فنی، مال، ملکیت، قرارداد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

۱- بیان موضوع: «دانش فنی» اصطلاحی است که گر چه کمتر به عنوان موضوع اصلی قرارداد مورد توجه واقع شده است اما در اکثر قریب به اتفاق قراردادهای ليسانس به چشم می‌خورد. همین امر باعث شده که محققان به تبیین مفهوم و ماهیت آن همت گمارند تا آثاری که بر قراردادهای انتقال دانش فنی بار می‌شود، بهتر مشخص گردد. «دانش فنی» در زمره آن دسته از اموال غیرمادی قرار می‌گیرد که محصول فکر انسان است و از جمله اهداف عمده حمایت از محصولات فکری این است که عموم مردم بتوانند از خلاقیت‌های ذهنی و تراوشات فکری دیگران بهره مند شوند. برای مثال، یک داروی جدید یا یک کشف پزشکی می‌تواند بیماری را بهبود بخشیده و زندگی را طولانی‌تر سازد؛ ریزپردازنده‌های رایانه‌ای می‌توانند کارایی رایانه‌ها را بالا برده و هزینه آنها را کاهش دهند؛ توسعه و گسترش سوخت‌های جایگزین، تخریب محیط زیست را کاهش می‌دهد و حقوق در صدد است تا از طریق شناسایی حق مالکیت و الزام افراد دیگر به پرداخت عوض این‌گونه تلاش‌های فکری، به تحقق آنها کمک کند. عوض معنوی این تلاش‌ها، همان تحریکات و انگیزه‌هایی است که افراد را به انجام فعالیت‌های ذهنی ترغیب می‌کند. عدم امکان بهره‌گیری از تلاش‌های مبتکرانه باعث خواهد شد که اشخاص، وقت و هزینه‌ای را صرف این مهم نکنند.

در نظام حقوقی ایران، ماهیت این موضوع به درستی تبیین نشده است. از اینرو در این پژوهش تلاش می‌شود ماهیت و مبانی حمایت از «دانش فنی» به اختصار در فقه امامیه و حقوق ایران ارائه گردد.

۲- تبیین مفاهیم: اصطلاح دانش فنی در سیستم‌های حقوقی تحت عناوین متفاوتی از قبیل «اطلاعات محرمانه»، «اسرار تجاری»، یا «راز کسب و کار» شناخته می‌شود. به طور دقیق نمی‌توان میان این مفاهیم تمایز ایجاد کرد و در اکثر موارد اینها به جای یکدیگر به کار می‌روند. (Czapracka & Santa, 2008:230) از آنجایی که هر تعریفی نمی‌تواند جامع و مانع

باشد، بهتر است برای شناخت دانش فنی، ویژگی‌های آن بیان گردد. بطور کلی، دانش فنی، نوعی دانش است؛ مشتمل بر اشیای غیر مادی است؛ غیر قابل ثبت است؛ دارای وجهه محرمانگی است؛ دارای منفعت عقلایی است؛ قابل شناسایی است؛ قابل انتقال است و دارای ارزش تجاری است.

اولین ویژگی دانش فنی این است که نوعی دانش تلقی می‌گردد. دانشی که قابل تفکیک از دارنده آن می‌باشد، شکل مادی ندارد و بنابراین، متفاوت از قالب آن که صورت مادی دارد می‌باشد؛ به عبارت دیگر، نقشه‌ها، دفترچه‌های آزمایشگاهی، پلان‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی را که صورت مادی دارند، نباید دانش فنی محسوب کرد، بلکه محتوای آن یعنی اطلاعات مربوطه است که دانش فنی محسوب می‌شود.

دکترین حقوقی حاکی معتقد است که دانش فنی، مشتمل بر اشیای غیرمادی است. (Cornish, 1996: 239) از این ویژگی غیرمادی بودن دانش فنی می‌توان مطالبی را به شرح ذیل استنتاج نمود: اولاً، دانش فنی از دارنده آن و حتی قالب مادی آن قابل تمیز است؛ ثانیاً، اشیای غیرمادی و به تبع آن، اموال غیرمادی محدود به زمان و مکان نیستند و از اینرو، دانش فنی نیز، محدود به زمان و مکان نخواهد بود؛ و ثالثاً، اموال غیرمادی و من جمله دانش فنی، به لحاظ غیر مادی بودن می‌توانند موضوع کارکردهای متفاوت و متنوعی قرار گیرند.

سومین ویژگی دانش فنی، مسأله ثبت آن است. تاکنون در هیچکدام از اسناد و متون قانونی که در خصوص دانش فنی به تصویب رسیده، شرط قابلیت ثبت برای دانش فنی لحاظ نگردیده و مطابق متون قانونی و رویه‌های قضایی، لازم نیست که دانش مورد نظر قابلیت ثبت را داشته باشد. مقررات مربوط به دانش فنی از اطلاعاتی حمایت می‌کند که تحت پوشش حق اختراع قرار نگرفته باشند، اما چنانچه قابل حمایت به موجب حقوق مالکیت‌های فکری باشد اما هنوز به ثبت نرسیده باشد، حمایت از آن در قالب دانش فنی بلامانع می‌باشد.

چهارمین ویژگی دانش فنی، محرمانگی آن است که برخی ترجیح می‌دهند از آن به جدید بودن دانش فنی تعبیر کنند. (Chavanne, 1998: 535) البته مسلم است که جدید بودن

وجود نخواهد داشت. البته این امر باعث نمی‌شود که شرط مربوط به توصیف و شناسایی منتفی شود بلکه لازم است تا این توصیف به صورت کلی صورت گیرد و به هیچ وجه بحث قابلیت شناسایی نفی نمی‌شود.

ویژگی دیگر دانش فنی، «قابلیت انتقال» آن است. قابلیت انتقال بدین معنا است که باید بتوان آن را به دیگران منتقل نمود. در واقع، با این شرط دانش فنی را می‌توان از توانایی‌های شخصی که امکان انتقال آن به دیگران وجود ندارد، تمیز داد. مهارت فنی و تخصص و تجربه‌ای که قابل تفکیک از دارنده آن نباشد، دانش فنی محسوب نمی‌شود. معیار تمیز میان تجربه شخصی که ذاتی فرد است و دانش فنی که متعلق به بنگاه یا فرد می‌باشد، در وابستگی اطلاعات به فرد دارنده آن نهفته است. و نهایتاً دانش فنی باید دارای ارزش تجاری باشد.

۳- روش تحقیق: روش تحقیق، به صورت توصیفی-تحلیلی است.

بحث و نظر

در این بخش به تبیین ماهیت حقوقی دانش فنی پرداخته خواهد شد. به عبارت دیگر، مشخص می‌گردد که آیا دانش فنی مال محسوب می‌شود که بخواهد مورد معامله قرار گیرد؟ و در صورتی که پاسخ به این سؤال مثبت باشد، در مورد عین یا منفعت یا حق بودن آن در فقه امامیه و حقوق ایران بحث خواهد شد.

۱- ماهیت حقوقی دانش فنی

در حقوق ایران، اموال را از جهتی، به مادی و غیرمادی، و از جهت دیگر، به عین، منفعت و حق تقسیم می‌کنند. در این قسمت، دانش فنی از منظر فقه امامیه و حقوق ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱- فقه امامیه

برای آنکه بتوان ماهیت دانش فنی را از منظر فقه امامیه بررسی نمود لازم است ابتدا مفهوم مال مشخص گردد. زیرا شیء از نظر فقها، یا در مقوله اموال قرار می‌گیرد که می‌توان آن را

که در اینجا از آن صحبت به میان آورده می‌شود جدید بودن نسبی است. دانش فنی ممکن است برای عده زیادی شناخته شده باشد و به نوبه خود جدید نباشد؛ آنچه مهم تلقی می‌شود اینست که عموم به آن دسترسی نداشته باشند. در حقیقت، اعتبار دانش فنی به ارزش اقتصادی آنست؛ ارزش اقتصادی زمانی وجود دارد و بروز پیدا می‌کند که از نظر رقبا آگاهی به آن اطلاعات باعث صرفه جویی و در نتیجه توجیه پرداخت پول در ازای به دست آوردن آن بشود. بنابراین، اگر موضوع قرارداد دانش فنی برای عده زیادی شناخته شده باشد و بسیاری از صنعتگران در آن شاخه صنعتی بدان دسترسی داشته باشند در حدودی معتبر است که اطلاعات مربوطه برای ذینفع آن قرارداد، کارایی داشته و مفید باشد. (Chavanne, 1998: 535)

پنجمین ویژگی دانش فنی «اساسی یا ضروری بودن آن»^۱ است. ویژگی مزبور، مشخص می‌کند که دانش فنی، برای اجرای فرآیند یا برای تولید محصول مفید و ضروری می‌باشد. طبیعت دانش فنی باید به گونه‌ای باشد که قابلیت رقابت را برای کسی که آن را در اختیار دارد ارتقا بخشد، به عنوان مثال به نفوذ در بازار جدید کمک کند یا به وی در رقابت با سایر تولید کنندگان یا ارائه دهندگان خدمات که به آن دانش فنی خاص یا دانش فنی مشابه دیگری دسترسی نداشته‌اند امتیازی اعطا نماید.

ویژگی بعدی، قابل شناسایی بودن دانش فنی است. منظور از این ویژگی که در حقوق اروپا مطرح شده آنست که باید این امکان وجود داشته باشد که تفاوت‌ها و امتیازات خاص دانش فنی و محرمانه بودن آن را بتوان اثبات کرد و به نمایش در آورد. این شرط زمانی محقق می‌گردد که دانش فنی در دستورالعمل‌های کتبی یا هر سند نوشته دیگری بروز پیدا کند. چنانچه آوردن دانش فنی در قالب‌های کتبی و نوشته ممکن نباشد و در اختیار کارمندان آن شرکت یا بنگاه باشد و کارمندان مذکور نتوانند آنرا با تعلیم و آموزش منتقل نمایند، ممانعتی

^۱ - Substantiality

مورد معامله قرار داد یا اینکه مال محسوب نمی‌شود. همچنانکه حقوق نیز به مالی و غیر مالی تقسیم می‌گردد. در این خصوص ابتدا مفهوم لغوی و عرفی مال، مورد تبیین و بررسی قرار گرفته است.

۱-۱-۱-۱- دانش فنی و مالیت

۱-۱-۱-۱- از منظر لغویون: به طور کلی، از تعاریف لغویون این طور بر می‌آید که لغت مال، نیاز به تعریف ندارد و نزد عموم مردم شناخته شده است و هر آنچه را که مردم مال بدانند، اهل لغت نیز مال می‌داند برای مثال در فرهنگ عربی العین در تعریف مال این گونه آمده است که مال لغت شناخته شده‌ای است و جمع آن اموال است. نکته مهم در تعریف لغویون آنست که ارتباط نزدیکی میان مال و ملک در نظر گرفته‌اند، آن چنانکه برخی در معنای مال گفته‌اند که مال در اصل دارایی از قبیل طلا و نقره بوده است و بعداً بر هر چیزی از اعیان که تصاحب شده و مورد تنازع قرار می‌گیرد، اطلاق گردیده است. (فراهیدی؛ ابن منظور؛ ابن اثیر، ذیل کلمه مال) هیچ دلیلی وجود ندارد که مال فقط به اعیان اطلاق شود، بلکه شامل منافع و اعمال نیز می‌گردد. کما این که مال در قاموس اللغه به همین معنای عام تعریف شده است: «مال هر چیزی است که تملکش کنند.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۵۰۳) برخی واژه مال را به دارایی و آنچه که در ملک شخص باشد اطلاق کرده‌اند. (عمید، ذیل کلمه مال) برخی دیگر مال را به چیزی که موضوع رغبت انسان است و مطلوب او باشد و نیز به معنای هر چیزی که به تملک انسان در آید، تعریف کرده‌اند. (دهخدا، ذیل کلمه مال) به دلیل تنوع نیازها در عصر حاضر، این امکان وجود ندارد که همه مردم بتوانند در مورد مالیت کلیه چیزها اظهار نظر کنند؛ به عبارت دیگر، برخی از چیزها مورد نیاز عموم است و طبیعتاً کلیه مردم در خصوص مالیت آن اظهار نظر می‌کنند. در مقابل، بسیاری از چیزهای دیگر هرچند ارزشمند است اما مورد نیاز عموم نیست و تنها برای افراد خاصی اهمیت دارد. دانش فنی هم از جمله مواردی است که ممکن است عموم مردم نسبت به ارزشمند بودن آن آگاهی نداشته باشند، اما افرادی که در حوزه تخصصی مربوط به آن رشته مشغول فعالیت هستند، در مالیت

آن و این که می‌توان آن را در زمره دارایی‌ها قلمداد نمود، تردید ندارند و حاضرند آن را موضوع معاملات خود قرار دهند. همین که افراد معینی در جامعه به ارزشمند بودن دانش فنی اذعان دارند و حاضرند برای بدست آوردن آن پول صرف کنند، نشان می‌دهد که دانش فنی مالیت دارد و هیچ ضرورتی ندارد که همه مردم به آن نیاز داشته و یا به مالیت داشتن آن اذعان کنند. بنابراین، از نظر لغوی هیچ تردیدی وجود ندارد که دانش فنی مال محسوب می‌شود و نمی‌توان گفت که عنوان مالیت از نظر اهل لغت مختص طلا و نقره و انعام و یا حتی اشیاء خارجی است.

۱-۱-۱-۲- از منظر فقها: فقها در مباحث مختلف به بیان تعریف مال پرداخته‌اند. این بحث عمدتاً در باب «ما لا ینتفع به» در بیان مکاسب محرمة و «مورد معامله» در بحث بیع مطرح شده است. اکثریت فقها مال را مفهومی اعتباری می‌دانند و چیزی را مال می‌دانند که طبع انسانی به آن گرایش داشته، نفع عقلایی بر آن مترتب بوده و انسان‌ها برای وقتی که نیاز دارند، ذخیره می‌کنند. (الجزیری، ۱۴۱۹: ۹۶/۵) عبارات برخی از فقهاء صراحت دارد در این که مال به هر چیزی اطلاق می‌شود که عرف حاضر است در ازای آن بهایی پرداخت کند. (غروی اصفهانی، ۱۴۱۸: ۱۵/۵) برخی احتمال حصول و تحقق منفعت و ارزش را برای مالیت کافی می‌دانند و بنابراین ضروری نمی‌دانند که در نظر عرف ارزش شیء مسلم و قطعی باشد و همین مقدار که احتمال منفعت وجود داشته باشد، کفایت می‌کند. این مطلب عمدتاً در بحث عمل فرد آزاد (حر) بیان شده است. (خمینی، ۱۴۱۳: ۳۷/۱) این که شیء باید از نظر شرع نیز مباح باشد تا مال محسوب شود، مورد اختلاف است؛ البته مباح بودن شیء برای مالیت شرعی لازم است و اگر چیزی مورد رغبت عقلا باشد اما شرعاً مباح نباشد، ممکن است مال به حساب آید ولی مشروعیت ندارد و در نتیجه نمی‌توان آن را شرعاً مورد معامله قرار داد. (خمینی، ۱۴۱۳: ۳۷/۱) بنابراین، برخی میان مالیت شرعی و عرفی قائل به تفکیک شده‌اند، بدین نحو که چیزی را مال محسوب نموده‌اند که منفعت عقلایی

داشته باشد ولی برای مالیت شرعی قید محله را اضافه کرده‌اند. (خوبی، ۱۴۱۲: ۵/۲)

مشهور فقها، رقابت میان مردم را نیز برای مالیت شرط می‌دانند و معتقدند که برای مالیت لازم است تا میان مردم برای به دست آوردن شیء مورد نظر، رقابت وجود داشته و به عبارت دیگر، به وفور موجود نبوده و آن شیء از عزت و ارزشمندی برخوردار باشد. (حکیم، ۱۴۰۰: ۳۲۵) نکته دیگری که از کلام فقها برمی‌آید این است که برای مال بودن لازم نیست که شیء مورد نظر، عین بوده و بتوان آن را لمس نمود، بلکه منافع هم جزء اموال تلقی می‌شوند. (خوبی، ۱۴۱۲: ۵/۲)

براساس مطالبی که از متون فقهی گفته شد، چیزی مال تلقی می‌شود که واجد ویژگی‌های ذیل است: داشتن منفعت؛ ارزشمندی و در نتیجه، رقابت و تنازع میان افراد برای به دست آوردن آن؛ عقلاً حاضر باشند در برابر به دست آوردن آن بهایی را بپردازند، اعم از تلاش جسمی یا دادن چیز ارزشمند دیگری؛ توسط افراد برای وقت نیازمندی، ذخیره گردد؛ و برای شرعی بودن لازم است که مباح بوده و دارای منفعت محله باشد.

با توجه به مفهومی که از دانش فنی در بخش اول مقاله ارائه داده شد، دانش فنی مجموعه اطلاعاتی است که اولاً کارایی داشته و به کار حوزه صنعت می‌آید. بنابراین، شرط داشتن منفعت در مورد دانش فنی محقق است. ثانیاً، دانش فنی مورد رغبت است و شرکت‌ها و افراد ذیربط می‌توانند از طریق آن تولیدات و محصولات خود را بهینه کنند. البته اگر دانش فنی افشاء شود دیگر کسی به آن رغبت نخواهد داشت و برای کسب آن رقابت نخواهند کرد. در این که رغبت مزبور باید نوعی یا شخصی باشد، میان فقها اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی معتقدند که عموم مردم باید به آن رغبت داشته باشند و تعبیر آنان از «نفع معتبر» آن چیزی است که در نظر عقلاً نفع محسوب می‌شود. (نراقی، ۱۴۱۵: ۶۸/۱۴؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۴۲۹/۱۸؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴: ۱۲/۴؛ خوانساری، ۱۳۶۴: ۱۲/۳) برخی دیگر از فقها ملاک را شخصی می‌دانند. به عنوان مثال گفته شده است «لازم نیست که شیء مورد معامله نوعاً

مال باشد، ... حتی اگر در نزد عده معدود یا شخص خاصی مال محسوب گردد مثل آنکه شخص به مرض ویژه‌ای مبتلا باشد و درمان وی در همان چیزی است که دیگران رغبتی بدان نشان نمی‌دهند و شخص مریض، آن را با ثمن بالایی خریداری نماید». (خمینی، ۱۴۱۳: ۱۰/۳) عبارات برخی دیگر از فقها نیز، بر انتخاب معیار شخصی دلالت دارد. (منتظری، ۱۴۱۵: ۲۰۸/۲؛ روحانی، ۱۳۸۹: ۳۶۵/۱۴)

حتی در صورتی که ملاک نوعی باشد، منظور قضاوت عرفی در مالیت از دید کسانی است که به آن کالا نیاز دارند و در شرایطی هستند که آن کالا می‌تواند نیازهای آنها را تأمین کند. این نظریه به صراحت در گفتار مرحوم سید محمد کاظم یزدی منعکس شده است: «ولو این که مورد معامله منفعت نادری داشته و یا حتی مد نظر شخص خاصی قرار گرفته باشد... و این ایراد که غرض شخص خاص کافی نیست به این دلیل که به مجرد غرض شخص خاص، عنوان مال بر آن صدق نمی‌کند و بیع مبادله مال با مال است، وارد نمی‌باشد، زیرا اولاً منظور ما از مال چیزی نیست جز سلطنت شخص بر عین آنچنان که دیگری نتواند به آن دست یابد... و ثالثاً این که غرض شخصی هم به غرض نوعی برمی‌گردد زیرا هر کس دیگری هم که در مقام و موقعیت وی قرار گیرد، آن شیء مورد نظرش واقع می‌گردد». (یزدی طباطبایی، ۱۴۱۰: ۱۳/۱)

بنابراین، از نظر فقهای گروه دوم، ملاک مالیت و نفع داشتن شیء، شخص است اما نه هر شخصی بلکه شخصی که از عقل متعارف نوعی برخوردار باشد، به نحوی که عرف نیز پس از آگاهی از نیاز وی و نقشی که شیء مزبور در رفع آن نیاز دارد به مالیت آن اذعان می‌کند. بسیاری از اشیاء امروزه مورد نیاز عموم نیست و تنها عده معدودی به آن نیاز دارند. این بدان معنا نیست که اینها مالیت ندارند. قطعات یدکی هواپیمایی که تنها در اختیار یک فرد است، تنها برای آن فرد ارزش دارد ولی عرف نیز به این واقعیت اذعان دارد که قطعات یدکی مزبور برای هر کس دیگری نیز که صاحب هواپیما بود، ارزشمند تلقی می‌شد، ولو در عمل تنها یک فرد صاحب چنین هواپیمایی است.

از این رو برای تشخیص مالیت دانش فنی باید به کسانی مراجعه کرد که در آن صنعت و حرفه مشغول به کار هستند و

به ارزش آن اذعان دارند. دانش فنی توسط دارنده مورد حفاظت قرار می‌گیرد و دارنده سعی می‌کند از افشای آن جلوگیری کند تا در موقع مناسب آن را به دیگران بفروشد و دیگران نیز حاضرند در ازای پرداخت مبلغی آن را به دست آورند. این رغبت کافی است که دانش فنی در زمره اموال قرار گیرد.

۱-۲- دانش فنی و قابلیت تملک

علاوه بر ایراد مالیت که بر دانش فنی وارد شده است، ایراد دیگری مطرح شده است که دانش فنی قابلیت تملک ندارد. این ایراد اختصاص به دانش فنی ندارد و شامل صور گوناگون مالکیت معنوی نیز می‌شود. بر اساس این نظریه، «مالکیت معنوی از طرف شارع امضا و اعتبار نشده است ... و اگر گفته شود این هم حقی است که عرف زمان ما آن را اعتبار می‌کند، نظیر «حق التحجیر» و «حق السبق» که چون شارع از آن ردع نکرده از عدم ردع او استکشاف امضا می‌نماییم و معتبر است؛ جواب این است که نسبت به حقوقی که در زمان‌های بعد از عصر شارع مقدس و ائمه طاهرین (علیهم‌السلام) عرفاً یا بر حسب قوانین موضوعه مستحدث می‌شود، نمی‌شود به اطلاق یا عموم آن تمسک نمود. بلکه در ارتباط با اقتباس از اختراع یا تألیف یا تجدید طبع کتاب یا تقلید از آثار هنری مشروعه، اگر متوقف بر تصرف در مال غیر باشد، بدون اذن صاحب مال جایز نیست، اما بر حرمت نفس اقتباس دلیلی وجود ندارد». (سربازیان، ۱۳۸۹: ۲۵)

در پاسخ به این ایراد می‌توان استدلال نمود که: «اولاً، به گواهی تاریخ در قضیه اسرای جنگ بدر، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با اسیرانی که از سواد بهره‌مند بودند، شرط فرمود که اگر هر کدام از آنها به چند تن از مسلمانان دانش بیاموزد، بدون پرداخت هیچ چیزی آزاد خواهد شد. این رفتار نشان می‌دهد که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) برای آموخته‌های انسان ارزش مالی قائل بودند و آن را قابل مبادله با اشیای مادی می‌دانستند. (سربازیان، ۱۳۸۹: ۲۵) به عبارت دیگر، آثار علمی نیز قابل تملک است و شاید به همین دلیل برخی از علمای متقدم شیعه، مثل سید مرتضی و شیخ طوسی، اعمال آموزشی انسان را ملک شمرده‌اند و اعتقاد دارند که آن اعمال می‌تواند در عقد نکاح صدق قرار گیرد. (علم‌الهدی، ۱۴۱۵: ۲۹۱)

ثانیاً، خود فقها نیز معترف‌اند که موقعیت‌های مکانی و زمانی یک موضوع می‌تواند در تعلق حکم بر آن نقش داشته باشد. در بیشتر موارد دلیل حکم حرمت و جواز در خرید و فروش اشیاء، وجود یا عدم وجود «منفعت مقصوده عقلائی» است. در بسیاری از موارد، وجود یا عدم وجود منفعت نمی‌تواند به طور مطلق مورد قضاوت قرار گیرد بلکه چه بسا چیزهایی که در زمان یا مکان خاصی دارای منفعت است و در زمان یا مکان دیگری فاقد آن است. این امر مورد تأیید فقها است که شیء می‌تواند در یک زمان و مکان خاص مال نباشد ولی همان شیء در زمان و مکان دیگر، به لحاظ فایده جدیدی که بر آن مترتب می‌گردد، مال تلقی گردد. در این خصوص به عبارت یکی از فقهاء در بیان مالیت خون اشاره می‌نماییم: «ظاهر بر این است که خون را می‌توان در غیر اکل مورد استفاده و خرید و فروش قرارداد و آنچه که در خصوص حرمت آن از آیات و روایات وارد شده، دلالت بر حرمت مطلق انتفاع نمی‌کنند... به علاوه این که در آن زمان که حرمت وارد شده استفاده ای جز، خوردن نمی‌توانستند از خون بکنند و حرمتی که ذکر شده منصرف به همان خوردن می‌شود». (خمینی، ۱۴۱۵: ۵۹/۱) برخی دیگر از فقها نیز، مضمون این کلام را تأیید نموده‌اند. (مرتضوی لنگرودی، بی‌تا: ۱۰۴/۱)

نسبی بودن مالیت شیء به نوعی می‌تواند در تأیید مال بودن دانش فنی نیز به کار آید، چون لازم نیست چیزی در همه زمان‌ها و همه مکان‌ها مال باشد، لذا دانش فنی که ممکن است در جایی و در زمانی مال بوده و عناصر مالیت را داشته باشد، در جای دیگر فاقد ارزش مالی باشد. با این توضیحات این ایراد دفع می‌شود که مالیت دانش فنی محدود به زمان و مکان خاصی است و ممکن است با افشای آن از مالیت بیفتد.

از آنجا که شارع در زمینه شناسایی مالکیت، سیره عقلا را امضا کرده است، عدم وجود چنین سیره‌ای در زمان شارع نسبت به مالکیت معنوی بدین معنا نیست که شارع تا آخرالزمان چنین مالکیتی را شناسایی نخواهد کرد. وقتی شارع حکم خود را بر سیره یا مفاهیم عرفی و عقلایی قرار می‌دهد، این بدین معنا است که بنای شارع امضاء همان نظمی است که عقلاء در بین خود ایجاد کرده‌اند و بنا نبوده است که چنین نظمی دگرگون

شود. این امر خود به جاودانه بودن احکام شرع دلالت دارد که خود را با مقتضای زمان تطبیق می‌دهد.

ایراد دیگری که از طرف اهل سنت مطرح شده آن است که «مالکیت معنوی با رسالت و قداست علم از نظر اسلام ناسازگار است و معتبر دانستن این حق سبب حصر و حبس آثار علمی و کتمان علم می‌گردد که مورد نهی قرآن کریم قرار گرفته: «الذین یکتُمون ما انزلنا من البینات والهدی». (شبیبر، ۱۴۱۸: ۵۶) در جواب این استدلال باید گفت مسلماً شکی نیست که اسلام برای علم و عالم ارزش و منزلت خاصی قائل شده است. ولی این اول کلام است که آیا از نظر اسلام پول گرفتن و کسب درآمد مالی کردن با هر امر مقدسی حرام و غیرجایز است یا خیر. گذشته از این، درست برخلاف سخن ایشان، هدف اصلی نظام مالکیت معنوی، فراهم کردن زمینه گسترش و رونق علم است، به علاوه، کتمان علم با کسب درآمد از طریق کارهای علمی، دو چیز کاملاً متفاوت است.

به اضافه این که فقها کار بر روی اشیای مادی را موجب ملکیت می‌دانند، مثل این که سنگ مباحی را به ابزاری تبدیل کنیم که قیمت داشته باشد. حال اگر کسی کتابی را تألیف کند، فیلمی بسازد و یا سایر آثار ادبی و هنری خلق کند، این استدلال نمی‌تواند درست باشد که چون این آثار مادی نیستند پس نسبت به آنها حق مالکیت به وجود نمی‌آید. دلیلی وجود ندارد که کار روی اشیاء مادی موجب مالکیت شود ولی کار روی امور فکری و معنوی موجب ملکیت نشود. امور مادی با معنوی از این جهت فرقی ندارند. در حقیقت همچنان که نتیجه کار بر روی اشیای مادی حائز اهمیت بوده و از احترام برخوردار است باید نتیجه کاری که روی امور غیر مادی نیز مال محسوب گردد، زیرا در این خصوص ردعی از سوی شارع صورت نگرفته است.

۱-۳- دانش فنی و مفاهیم حق و منفعت: فقها در مبحث بیع که به لزوم عین بودن مبیع اشاره می‌کنند، آن را در مقابل منفعت و حق به کار برده‌اند و تنها معدودی از فقها هستند که تعریف مختصری از آن ارائه نموده و این گونه عنوان کرده‌اند:

«المراد من العین ما إذا وجد فی الخارج کان جسماً مشتملاً علی الأبعاد الثلاثة: العرض، و الطول، و العمق». (خویی، ۱۴۱۲: ۵/۲) این کلام نشان می‌دهد که اموال غیر مادی نمی‌تواند جزء دسته اموال عینی قرار بگیرد. آنچه عرفاً هم از اعیان متبادر به ذهن می‌شود همان اشیای ملموس خارجی است. از طرف دیگر، همه فقها در توضیح «عین بودن» به تقابل آن با «منفعت» و «حق» اشاره کرده‌اند، ولی اشاره‌ای به وجود خارجی بالفعل آن نکرده‌اند. (نائینی، ۱۳۷۳: ۸۸/۱؛ مروج جزایری، ۱۴۱۶: ۳۳/۱) این تعبیر فقها حاکی از آن است که اموال فکری در دسته اعیان قرار نمی‌گیرند. اما جهت تبیین بیشتر موضوع لازم است به بررسی مفهوم حق و منفعت بپردازیم.

در اوصاف حق باید به این نکته توجه شود که حقی می‌تواند مال تلقی گردد که قابل نقل و انتقال باشد. در تعریف این نوع از حق که بیشتر در مبحث موضوع عقد و در مبحث عین بودن مبیع مورد توجه فقها واقع گردیده است، برخی گفته‌اند «حق» عبارت از نوعی سلطنت بر شیء می‌باشد، نظیر حق تجبیر که متعلق به عین است یا حق خیار و حق قصاص که به ترتیب تعلق به عقد و شخص دارند. (یزدی طباطبایی، ۱۴۱۰: ۱۳/۱) برخی دیگر آن را اضافه خاصی می‌دانند که به عین یا منفعت تعلق می‌گیرد عده‌ای دیگر با تایید مطلب اخیر آن را از سلطنت جدا کرده و سلطنت را اثر حق می‌دانند. (آخوند خراسانی، ۱۴۰۶: ۵) در همین جا بهتر است به عبارت یکی از فقها در مقام تمایز میان «حق» و «حکم» نیز اشاره کنیم: «اگر شارع مالکیت و سلطنت شخص را بر شیء اعتبار کند، از باب حق است و اگر وضعیت، تنها عدم منع از فعل یا ترتیب اثر بر فعل یا ترک باشد، به طوری که شخص مورد و محل آن تلقی گردد، از باب حکم است.» (حکمت‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۲۸)

در یک جمع بندی کلی از کلام فقها، حق را می‌توان عبارت از سلطنت یا اعتبار خاصی دانست که برای شخص نسبت به عین یا منفعت وجود دارد. با توجه به تعریف فوق از حق، آیا می‌توان دانش فنی را از منظر فقها جزء گروه «حق» قلمداد کرد. جواب به نظر منفی است چرا که دانش فنی خود موضوع بحث ما است نه حقوقی که نسبت به آن وجود دارد؛ دارنده دانش فنی

می‌تواند به این دلیل باشد که قبلاً اموال غیرمادی، رواج فعلی را پیدا نکرده بوده و عرف معاملات در مورد اعیان خارجی صورت می‌گرفته است.

۱-۲- حقوق موضوعه ایران

در قانون مدنی و سایر قوانین ایران عبارت «مال» تعریف نشده است. اما حقوقدانان در بحث اموال و مالکیت به تعریف آن پرداخته‌اند و برخی خصوصیات و انواع آن را مورد بررسی قرار داده‌اند.

یکی از حقوقدانان در بیان عناصر مال معتقد است: «مال چیزی مادی یا معنوی است که به شخصی اختصاص داده شده یا قابل اختصاص دادن است و دارای نفع مشروع عقلایی بوده و قابلیت آن را داشته باشد که در مصب معاوضه و مبادله قرار گیرد و نهایت اینکه قابل تقویم باشد». (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۳۰۸/۴) ایرادی که قبلاً در مورد مشروع بودن منفعت نقل نمودیم، بر این تعبیر وارد می‌باشد. ایراد دیگری که می‌توان بر این تعریف وارد نمود آن است که برخی از چیزها ممکن است به راحتی قابل تقویم نباشد اما مال تلقی گردد.

نکته دیگری که حقوقدانان در بیان عناصر مال گفته‌اند این است که «مال، حاکی نیست و هر چه که حاکی از واقعیتی باشد آن واقعیت، مال است نه آن حاکی». (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۴۲/۴) بر اساس این نظریه بر خلاف تمبر و نیروی برق، سهام شرکت‌ها مال تلقی نمی‌شود زیرا سهام حاکی از دارایی‌ها، مطالبات و تعهداتی شرکت ذیربط می‌باشد. برخی از حقوقدانان، بدون آنکه تعریفی از مال ارائه کنند، فقط به معیارهای شخصی و نوعی در تشخیص مالیت اشاره نموده‌اند و منفعت مشروع عقلایی را تخصیصی بر مورد معامله محسوب نموده‌اند. (قاسم‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۱۸)

یکی دیگر از حقوقدانان، در تعریف مال می‌گوید: «مال عبارت از چیزی است که دارای ارزش اقتصادی باشد». (شهیدی، ۱۳۷۷: ۳۰۲) ایشان وجود دو عنصر فایده داشتن و محدود بودن وجود یا عرضه شیء را برای مالیت یا دارا بودن ارزش اقتصادی ضروری می‌داند و اعتقاد دارد که شرایط محیط و وضعیت‌های

بر اطلاعات خود تسلط دارد و این تسلط در نتیجه اعمال حق حاصل نمی‌گردد؛ به عبارت دیگر، در مورد حق لازم است مقتضی از قبل موجود باشد که در اینجا مفقود است.

دانش فنی را همچنین نمی‌توان در زمره «منفعت» آورد. از نظر فقهی «منفعت» همان چیزی است که در نزد عامه مردم متداول شده و به همین دلیل به ذکر تعریفی از آن پرداخته و صرفاً به آنچه با ابقای عین به صورت تدریجی حاصل می‌شود و افراد نسبت به آن رغبت دارند اطلاق می‌گردد و آن را مال قلمداد می‌کنند. (خویی، ۱۴۱۲: ۳۲/۲) با این برداشت از منفعت، دانش فنی جزء منافع اعیان قرار نمی‌گیرد. سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا می‌توان دانش فنی را در زمره منافع اشخاص (اعمال) قرار داد. این سؤال از این جهت مطرح می‌شود که دانش فنی حاصل تلاش فکری انسان است و بنابراین جزء منافع اشخاص محسوب می‌شود. برخی از فقها در بحث از عمل انسان آزاد (حر) چنین گفته‌اند که آن را نمی‌توان مبیع قرار داد زیرا از منافع است. (خویی، ۱۴۱۲: ۳۴/۲) این نظر شاید در جایی که شخصی را به منظور دستیابی به دانش فنی یا آموزش آن استخدام می‌کنند، قابل پذیرش باشد اما در ما نحن فیه که دانش فنی ایجاد گردیده و خود دانش فنی در اختیار دیگری قرار می‌گیرد، قابل پذیرش نیست. دانش فنی مانند میوه درختی است که از درخت خود جدا شده است و مورد داد و ستد قرار می‌گیرد.

با توجه به مطالبی که در خصوص حق و منفعت از منظر فقهی گفته شد، می‌توان در تقابل مفهوم این دو مقوله با مفهوم عین این طور نتیجه گرفت که «عین» آن چیزی است که وجود مستقل دارد و چون «عین» نه مفهوم شرعی دارد و نه مفهوم متشرعه، لذا، دانش فنی هم که از وجود مستقل برخوردار است می‌تواند در زمره اعیان (عرفی) قرار گیرد و در پایگاه ذهنی یا در قالب لوح‌های فشرده یا روی کاغذ یا سایر چیزها، تجسم یافته و مستقر شود.

اشکال جدی در مورد عین بودن دانش فنی آنست که «عین» در نظر فقها، آن چیزی است که وجود خارجی داشته و برخوردار از ابعاد سه گانه طول، عمق و عرض باشد که این موضوع نیز،

شخصی و اجتماعی با تنوعی که دارند به مالیت مفهوم نسبی اعطاء می‌کند. (شهیدی، ۱۳۷۷: ۳۰۳)

از نظر برخی حقوقدانان، برای آن که شیء مال محسوب شود، دو عنصر لازم است: یکی آنکه مفید بوده و نیاز مادی یا معنوی افراد را برطرف سازد و دوم آنکه قابل اختصاص یافتن به شخص یا ملت معین باشد. (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۹) البته در این دیدگاه، عنصر دوم مورد تأکید بیشتری قرار گرفته است بدین عبارت که «اشیاء مادی، به این اعتبار که ملک اشخاص قرار می‌گیرد، مال محسوب می‌شود». (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۱۳) البته باید به این نکته توجه کنیم که مالکیت بعد از مالیت است و شاید این عبارت خالی از اشکال نباشد.

با توجه به این دیدگاه‌ها، می‌توان گفت چیزی مال محسوب می‌شود که قابلیت اختصاص داشته، واجد ارزش اقتصادی بوده، و دارای نفع عقلایی و مشروع باشد و نیازی از نیازهای افراد را برآورده سازد. معیار تشخیص وجود عناصر مذکور هم عمدتاً شخصی می‌باشد.

برخی از اساتید حقوق، اموال را به دو دسته مادی و معنوی تقسیم می‌نمایند و پایگاه تحقق اموال غیرمادی را عالم ذهن و اندیشه می‌دانند، هرچند که ممکن است با ابزار مادی و عینی ابراز و ارائه گردند. (شهیدی، ۱۳۸۵: ۱۵) ایشان کالاهای جدیدی مثل نرم افزارهای رایانه‌ای را مال و آن هم از نوع اموال عینی می‌دانند. برای مال بودن این گونه کالاها، به ارزش اقتصادی آنها استدلال نموده و در مورد عین بودن کالاهای مزبور بیان می‌دارند که این کالاها منفعت محسوب نمی‌شوند زیرا از مال دیگر تولد نمی‌یابند و چون به مال عینی دیگر یا ذمه شخص دیگری وابسته نیستند، در زمره حقوق قرار نمی‌گیرند و مسلماً از جمله اعمال هم نمی‌باشند. بنابراین، به نظر می‌رسد که این گونه از کالاها «عین» هستند. (شهیدی، ۱۳۸۵: ۳۰۳)

برخی نویسندگان دیگر، آفریدگار واقعی حقوق معنوی را اجتماع می‌دانند و معتقدند به اینکه قانونگذار تنها می‌تواند برای ارزشی که ایجاد شده، حکم وضع کند و توزیع آن را عادلانه و منظم

سازد. (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۲۳) درباره عین بودن این گونه اموال، با توجه به تمایل عرف برای گسترش دامنه بیع به مواردی چون سرقفلی و حق اختراع می‌گویند: «از این تمایل عرف باید سود برد و انتقال کالای در جریان (مانند نیروی برق) را بیع شمرده و رویه قضایی را به سویی کشاند که انتقال مالکیت حق و اموال غیر مادی نیز در تعریف بیع بگنجد و قید «عین» تنها برای خروج اجاره از تعریف به کار رود». (کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۴۲) وفق تعبیر مذکور، باید گفت اموال غیر مادی چون وابسته سایر اموال محسوب نمی‌شوند، عین هستند.

در نتیجه، دانش فنی و ایده‌های اشخاص، اشیای بی‌نهایت ارزشمندی هستند که اجزای ابتدایی بسیاری از اختراعات مبتکرانه را تشکیل می‌دهد. بنابراین، در ارزشمندی و کمیابی آنها، تنازع افراد برای اکتساب اطلاعات مربوطه و نیز، امکان رفع نیازهای افراد به واسطه دانش فنی تردیدی وجود ندارد. مفاهیم بنیادین مالکیت نیز، گرچه به قبل از اختراعات و دانش فنی پیچیده‌ای که اکنون وجود دارد، برمی‌گردد، اما حمایت از این پدیده اجتماعی در قالب قوانین مالکیتی موجود، یکنواختی و آینده‌نگری را ارتقا می‌بخشد. از اینرو و با توجه به ویژگی‌هایی که برای دانش فنی در ابتدای مبحث نخست برشمردیم و نیز، با توجه به عناصری که در بیان علمای شریعت و حقوق برای مالیت اشیاء عنوان شد، دانش فنی مال به حساب می‌آید و در نهایت اینکه، با توجه به دلایل ابراز شده، این نوع از اطلاعات در زمره اعیان قرار نمی‌گیرند بلکه واقعیت خاصی است که به کمک آن می‌توان ایده‌های افراد را مورد حمایت قرار داد.

۲- مبنای حمایت از دانش فنی

منطق اقتصادی و دلیل اصلی حمایت از دانش فنی و اسرار تجاری، همان دلیل و مبنای حمایت از سایر انواع مالکیت فکری می‌باشد. دانش فنی انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری خصوصی در زمینه تولید دانش است؛ به عبارت دیگر، وسیله‌ای خواهد بود که به واسطه آن می‌توان جلوی استفاده دیگران را از دانش مذکور گرفت. بنابراین، درآمد مورد انتظار از ابتکار و اختراع خود را افزایش داد. حمایت از دانش فنی در واقع

هزینه‌ای است که به موجب آن استفاده دیگران از اطلاعات مورد نظر محدود می‌شود و افراد نمی‌توانند به راحتی به آنها دست پیدا کنند. برخی از نویسندگان، دلیل حمایت از دانش فنی را در پرتو انگیزه‌های محرک برای اختراع کردن دانسته‌اند، (Régis, 1976: 9) در عین حال، مخالفان این تئوری عنوان نموده‌اند که اگر دلیل وجود قوانین مربوط به دانش فنی، ایجاد انگیزه برای اختراع کردن باشد خود افراد با صرف هزینه‌های بیشتر خواهند توانست آن را محرمانه نگه دارند و نیازی به وضع قوانین جدید نخواهد بود. (Risch, 2007: 45)

تعادل میان انحصار و محدود کردن رقابت، در خصوص تعیین نوع اطلاعاتی که باید حمایت شود و طول دوره حمایت و اینکه در قبال کدام رفتارها مورد حمایت قرار داده می‌شوند، نقش اساسی و مهمی دارد. در این زمینه، خواهان دعوا باید رفتار نامناسب در به دست آوردن اسرار تجاری و دانش فنی را به اثبات برساند. مسلماً، دانش فنی در برابر رویه‌های تجاری صادقانه، نظیر مهندسی معکوس یا فعالیت‌های توسعه و تحقیق مستقل قابل حمایت نخواهد بود. علاوه بر اینکه حمایت از دانش فنی به سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه کمک می‌کند، نقش مهمی در انتشار دانش و تجاری‌سازی اختراعات خواهد داشت. مطمئناً الزام‌آور کردن رعایت حقوق مربوط به اطلاعات محرمانه باعث انعقاد قراردادهای لیسانس می‌شود و احتکار دانش فنی معتبر را محدود می‌نماید. علاوه بر این، خسارات پیش‌بینی شده برای سوء استفاده از دانش فنی دیگران باعث کاهش هزینه‌های حفظ محرمانگی می‌شود و اجازه خواهد داد تا فرآیندهای تولید به روشی مناسب ساماندهی گردد. (Risch, 2007: 65) دلیل دیگر حمایت از دانش فنی، بهبود اخلاق حرفه‌ای کسب و کار می‌باشد. مبانی قانون رقابت غیرمنصفانه در آلمان جلوگیری کلی از اقداماتی است که خلاف اخلاق حسنه در زمینه قراردادهای تجاری تلقی می‌شود. (Czapracka & Santa, 2008:213) دادگاه‌های انگلیس و ایرلند نیز از اصول انصاف برای حمایت از محرمانگی استفاده می‌کنند. (House of Spring Gardens Ltd. v. Point Blank Ltd., 1983; Fraser v. Evans, 1969) در ایالات متحده

آمریکا نیز، در اغلب موارد دلیلی که برای حمایت از اسرار تجاری ذکر می‌شود حمایت از حق بنیادینی است که نسبت به محرمانگی وجود دارد. در یکی از آرای صادره از دادگاه عالی آمریکا آمده است: «چنانچه جاسوسی صنعتی مورد اغماض واقع گردد یا ترجیح داده شود، بنیادی‌ترین حق انسانی، که محرمانگی است، مورد تهدید واقع می‌شود.» (Boats Bonito, Inc. v. Thunder Craft Boats, Inc, 1989)

آنچه گفته شد را می‌توان انگیزه‌هایی دانست برای آنکه بتوان حمایت از دانش فنی را به نوعی در جامعه رواج داد اما برای مبانی حقوقی آن مسأله کافی نیست و باید به دنبال نظریات حقوقی بود که با آنها بتوان قاضی دادگاه را متقاعد به دادن رأی به نفع دارنده دانش فنی که به واسطه سوء استفاده دیگران متضرر شده، نمود. از میان تئوری‌های مختلفی که در جهت توجیه حمایت از دانش فنی ارائه شده است می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.

۲-۱- تئوری تعهد قراردادی

مطابق این نظریه، تعهد عدم افشای اطلاعات محرمانه عموماً برخاسته از بطن رابطه قراردادی میان مالک دانش فنی و اشخاصی است که اطلاعات مذکور به آنها منتقل می‌گردد. این رابطه قراردادی ممکن است قرارداد لیسانس، قرارداد تولید تجهیزات پایه^۱، قرارداد حق‌العمل‌کاری، قرارداد استخدامی، قرارداد مشارکت انتفاعی (جوینت ونچر) و غیره باشد.

توافق محرمانگی می‌تواند صراحتاً یا به طور ضمنی، جداگانه یا در ضمن قرارداد، قید گردد. وجه التزام یا جریمه قراردادی نیز، می‌تواند این تعهد را همراهی کند. بنابراین، در بسیاری رویه‌های قضایی همین اندازه که قراردادی بین طرفین وجود داشته باشد تعهد محرمانگی را به دنبال خواهد داشت. با این وجود، نظریه قراردادی را نمی‌توان به راحتی در مواردی که شخص، منافی را بلا جهت از دانش فنی کسب کرده و هیچ رابطه قراردادی با دارنده ندارد اعمال نمود. برای مثال، در موردی که کارگری ترک خدمت کرده و خودش را در اختیار رقیب کارفرمای قبلی خود قرارداده است، به دلیل عدم وجود رابطه

^۱ - OEM Contract (Original Equipment Manufacturer Contract)

استناد این دارا شدن اقامه می‌گردد فارق از هرگونه قرارداد یا اغوای یکی از طرفین به نقض، خواهد بود.

مفهوم اغوای یکی از طرفین به نقض، در بسیاری از نظام‌های حقوقی، وجود دارد، لکن با توجه به اینکه استثنائی بر اصل نسبی بودن قراردادهای است در عمل اغلب اجرا نمی‌شود. بنابراین، نظریه سرقت ادبی یا داراشدن بلاجهت زمینه مساعدتری را برای اقدام علیه سوءاستفاده از دانش فنی فراهم می‌آورد. (سربازیان، ۱۳۸۹: ۵۶)

نظریه مذکور تحت عنوان سرقت ادبی در آمریکا و تحت عنوان اقدام علیه رویه‌های تجاری صادقانه در اروپا مورد پذیرش قرار گرفته است. قوانین و مقررات رقابت غیر منصفانه، در ماده ۱۰ مکرر کنوانسیون پاریس و در بند ۲ ماده ۳۹ تریپس، منعکس گردیده است.

نظریه سرقت ادبی به درستی بر این واقعیت که دانش فنی از جمله دارایی فرد محسوب می‌شود، تأکید می‌کند؛ در واقع بر این امر صحنه می‌گذارد که دانش فنی جزو سرمایه می‌باشد و منافع مالکانه تلقی می‌گردد و این امر با نظریات دزدی یا اختلاس دانش فنی مطابقت می‌کند. علاوه بر این، مفهوم نفع مالکانه در مورد دانش فنی می‌تواند قراردادهایی نظیر انتقال دانش مذکور یا فروش آن و یا انتقال آن از طریق ارث را توجیه نماید. (سربازیان، ۱۳۸۹: ۵۸)

به هر حال، آنچه لازم است موضوعیت داشته باشد، حمایت از منافی است که افراد دارنده دانش فنی می‌توانند اکتساب نمایند. اینکه از چه راه‌ها و ابزار می‌توانیم از آنها نگهداری کنیم در ردیف بعدی از اهمیت قرار می‌گیرد. درحقیقت، می‌بایست آن راه‌حلی مورد پذیرش و اعمال قرار گیرد که با آن بتوانیم به نحو بهتر و معقول‌تری از دانش فنی حمایت کنیم.

در پایان این بحث، خاطر نشان می‌سازیم که یکی از مبانی حمایت از دانش فنی آن است که آن را مال محسوب نموده و از این طریق مالک دانش فنی مورد حمایت قرار می‌گیرد. این مسأله را در ذیل موارد حمایت از دانش فنی به صورت مفصل

قراردادی میان کارفرما و رقیب، تعهد حفظ محرمانگی یا ممنوعیت استفاده از دانش فنی نیز، وجود ندارد. به همین ترتیب است فرضی که در آن منتقل الیه به صورت ناروا دانش فنی را برای شخص ثالثی که ممکنست زیرمجموعه یا طرف قرارداد تولید با منتقل الیه باشد، افشا می‌کند. به علاوه، تئوری مذکور این مسأله را توجیه نمی‌کند که چرا بسیاری از کشورها نظیر فرانسه، آلمان و بیشتر ایالات آمریکا از طریق قانون مجازات، دانش فنی را مورد حمایت قرار می‌دهند. (Régis, 1976: 9)

۲-۲- نظریه رابطه امانی

قواعد حقوق انگلیس در زمینه اسرار تجاری، مبتنی بر این نظریه است که حقوق، رعایت محرمانگی را لازم می‌داند. برای نمونه، اگر لازم باشد دستورالعمل یک دارو برای کارآموز دامپزشکی افشا شود، تعهد محرمانگی حتی در صورت فقدان قرارداد محرمانگی، الزامی خواهد بود. یا در قانون تعهدات سوئیس آمده است که کارمندان باید اسرار تجاری کارفرمای خود را محرمانه نگه داشته و آن را برای دیگران افشا نکنند. در توجیه مبنای این تعهدات به رابطه امانتداری اشاره شده است. به همین ترتیب، در مورد حفظ اسرار داوری، به همین شیوه استدلال کرده‌اند. (Risch, 2007: 47) در حقیقت، این رابطه قراردادی میان افراد نیست که باعث تعهد محرمانگی می‌شود، چرا که ممکن است افراد هیچ گونه قصدی نسبت به این تعهد نداشته باشند، بلکه خود قانون است که این الزام را بر اساس رابطه امانی در نظر گرفته است.

۲-۳- نظریه دارا شدن بلا جهت

از آنجایی که در برخی کشورها اطلاعات اندکی در مورد مسؤولیت مدنی ناشی از رقابت غیرمنصفانه دارند، به همین جهت رویه قضایی آنها سوءاستفاده از دانش فنی را به عنوان سرقت ادبی، به شمار آورده اند، سرقتی که باعث می‌گردد خواندگان دعوا به صورت غیرقانونی و به ناحق، اموالی را به دست بیاورند. (Carpenter v. United States, 1987; Osborn v. Boeing Airplane Co., 1962; Matarese v. Moore McCornack Lines, Inc., 1946) دعوایی که به

امکان‌پذیر است، اما راه‌حل‌های ذیل بعضاً جهت حمایت از آن مورد توجه واقع شده‌اند.

۳-۱- مسؤولیت مدنی

مسؤولیت مدنی منتفع غیرقانونی دانش فنی، به صورت مستقل از مسؤولیت جزایی یا همراه با آن، مورد پیگیری قرار گرفته است. شاید در بادی امر، این عبارت گزاف به شمار آید چرا که هر کسی حق دارد در قالب آزادی‌هایی که دارد فنونی که قابل تخصیص به صورت انحصاری نمی باشند را مورد استفاده قرار دهد و اگر بخواهیم وی را محکوم به تأدیه خسارت نماییم باید تمامی افراد را هر روز به دادگاه فرا خوانیم. به عبارت دیگر، استفاده و اجرایی کردن فنی که غیرقابل تخصیص به صورت انحصاری توسط دارنده آن است به خودی خود منشأ مسؤولیت نخواهد بود. نسخه برداری از چیزهایی که مورد حمایت قرار نمی‌گیرند (چه به واسطه حق اختراع و چه به واسطه سایر انواع مالکیت‌های فکری که در مورد آنها مصوبات قانونی وجود دارد) تجاوز به حقوق دیگران محسوب نمی‌شود، بلکه در قالب آزادی‌های تجاری و صنعتی قرار می‌گیرد. اما حق مذکور را می‌توان از طریق برخی نهادهای حقوقی، نظیر رقابت غیر منصفانه و مزاحمت، محدود نمود. ماده ۳۹ **ترپس**، در راستای اجرایی کردن ماده ۱۰ مکرر کنوانسیون ۱۸۸۳ پاریس، اعضای عضو خود را موظف می‌کند تا از رقابت‌های غیرمنصفانه ممانعت به عمل آورند. در حقوق فرانسه به این صورت است که افراد می‌توانند حق خودشان نسبت به نقض حقوقی که در خصوص دانش فنی یا اطلاعات افشا نشده دارند را از طریق طرح دعوای رقابت غیرمنصفانه پیگیری نمایند. البته در این خصوص لازم است که ارکان مسؤولیت مدنی به اثبات برسد (تقصیر خواننده دعوی، که علت مستقیم خسارتی است که وی تقاضای جبران آن را دارد، ورود خسارت و رابطه سببیت).

(سربازیان، ۱۳۸۹: ۸۵)

عنصر تقصیر منتفع از دانش فنی می‌تواند عبارت باشد از اینکه وی محرمانگی آنچه را که خواهان در صدد حفظ آن بوده را از بین برده است. به عبارت دیگر، اگر دارنده دانش فنی هیچ‌گونه اقدامی برای حفظ محرمانه ماندن دانش فنی خود انجام ندهد،

توضیح خواهیم داد. فلذا از بیان مجدد در این قسمت خودداری می‌کنیم.

۳- شيوه‌های حمایت از دانش فنی

ایده‌ها که عمدتاً در قالب دانش فنی صنعتی، اطلاعات، اختراعات و علائم منحصر به فرد محصول بروز می‌یابند، محصول فعالیت ذهنی محسوب می‌شوند و در اغلب موارد، به این صورت است که نفع قابل توجهی را نیز به همراه دارند. این محصولات ذهنی عموماً مالکیت‌های فکری نامیده می‌شوند و عمدتاً متفاوت از اعیان و اشیای ملموس خواهند بود. این محصولات و داده‌های ذهنی می‌تواند به صورت همزمان و توسط چندین فرد تصاحب و مورد استفاده قرار گیرد، آنچنانکه این چند نفر می‌توانند این محصول ذهنی را در چند موضع کاملاً متفاوت به‌کارگیرند. این در حالی است که این دو مسأله به هیچ عنوان در مورد اشیای ملموس نمی‌تواند صادق باشد، یعنی نه می‌تواند همزمان توسط دو شخص مورد استفاده و تصاحب قرار گیرد و نه می‌تواند در دو موضع متفاوت به صورت همزمان به کار گرفته شود.

به علاوه، شاخصه‌های یک ایده را نمی‌توان معین کرد و نیز کاربرد آن را نیز نمی‌توان اداره نمود. محصول ذهنی برای توسعه، تولید دوباره و ارتقای خود نیازمند آگاهی‌ها و ایده‌های قبلی می‌باشند. ارزش و کارایی یک محصول ذهنی می‌تواند به واسطه دانش شخصی فردی که ایده یا اختراعی را برای اولین بار یاد می‌گیرد ارتقا یابد. بدیهی است که مشکل بتوان ایده‌ای را از اطلاعات قبلی و دانش خاص شخصی که آن ایده را فرا می‌گیرد تشخیص داد. علاوه بر این، نمی‌توان از شخص توقع داشت که ایده یا اختراعی را که فرا گرفته را فراموش کند. به محض اینکه ما چیزی را فرا می‌گیریم آن ایده یا اختراع بخشی از آگاهی ما می‌گردد و نمی‌توان آن را از حافظه پاک کرد، (آن‌گونه که در مورد حافظه کامپیوتر این امکان وجود دارد). بر عکس این، در مورد اموال عینی یا ملموس می‌توان جلوی شخص را گرفت تا از اموالی که دیگری مالک آن شده، استفاده ننماید. بنا به موارد فوق، حمایت از دانش فنی به سختی

به طوری که به راحتی در دسترس دیگران قرار گیرد و اشخاص ثالث بتوانند آزادانه از آن استفاده کنند، امکان طرح دعوی انتفاع غیرقانونی از اطلاعات وجود نخواهد داشت. در اینجا، وی به ضرر خودش اقدام نکرده اما برای جلوگیری از ورود زیان هم گامی برنداشته است، نظیر افرادی که مال خود را طوری در معرض دید عموم می‌گذارند که گویی از آن اعراض نموده‌اند و اشخاص ثالث هم، با همین تصور از آن استفاده و بهره برداری می‌کنند. اینکه لازم است فرد اقداماتی را برای حفظ محرمانگی اطلاعات خود انجام بدهد تا بتواند بعداً در مقابل رفتارهای دیگران ادعای خسارت نماید و انتظار داشته باشد که مقررات حقوقی و ضابطین قضایی از وی حمایت به عمل آورند در ماده ۳۹ مقررات تریپس هم آمده که بعداً بدان اشاره خواهیم نمود.

دارنده دانش فنی در صورتی که قصد اقامه دعوی مسؤولیت مدنی را داشته باشد باید عنصر تقصیر را در مورد اشخاصی که مجوز دسترسی به دانش فنی را صادر نموده یا از آن بهره برداری کرده اند را به اثبات برساند. در واقع، دسترسی به دانش فنی در صورتی ناعادلانه محسوب می‌شود که اوضاع و احوال و شرایط حاکم، حکایت از نقض روش‌های مشروع رقابت داشته باشد. در عمل می‌توان گفت که اقدامی تقصیر محسوب می‌شود که دانش فنی را افشا یا از آن بهره‌برداری نماید آنچنان که این افشا و بهره‌برداری باعث خسارت به دارنده دانش فنی مذکور گردد. این بهره‌برداری به خودی خود نامشروع به حساب می‌آید چرا که به واسطه دسترسی نامشروع به اسرار و اطلاعات محقق گردیده است و این دسترسی زمانی نامشروع است که بر خلاف اراده صاحب آن که قصد داشته محرمانه باقی بماند، به وجود آمده باشد. در هر حال، به صرف اینکه محصولات یک شرکت مشابه محصولات رقیب تجاری وی باشد، نمی‌تواند تقصیر به شمار آید بلکه لازم است بهره‌برداری و استفاده از دانش فنی، و نیز تکنیک‌هایی که برای رقابت به کار گرفته شده است، متقلبانه و غیر منصفانه بوده باشند.

مسئله تصرف یا غصب یا تجاوز به دانش فنی متعلق به دیگری، به طور واضح، اگر نگوییم به صورت رایج، توسط اشخاص خارج از شرکت که مبادرت به اعمال جاسوسی صنعتی یا تجاری می‌نمایند صورت می‌پذیرد و به صورت معمول‌تر، این رقبای شرکت هستند که به واسطه تبانی با اعضای پرسنلی شرکت به قصد دستیابی به اطلاعات محرمانه‌ای که در اختیار آنهاست گام برمی‌دارند تا به اسرار تجاری یا صنعتی رقیب خود یا بدانچه نیازمندند دست پیدا کنند؛ این عمل به ویژه می‌تواند در مورد اشخاصی اتفاق بیفتد که قبلاً مسؤولیت حفظ اسرار شرکت یا مجموعه مورد نظر به آنها سپرده شده بوده است.

۳-۲- حمایت قراردادی از دانش فنی

دارنده دانش فنی اغلب به این سمت هدایت می‌شود که اطلاعات مربوطه را در حین انعقاد قرارداد یا در راستای اجرای قراردادی که منعقد نموده، افشا نماید. بنابراین، وی با این اقدام خود خطر از دست دادن مدیریت و مالکیتی که نسبت به این گونه اطلاعات دارد را تحمل می‌کند و می‌پذیرد، چرا که ممکن است طرف قراردادی در صدد افشا یا سوء استفاده از آن اطلاعات برآید. اشخاص ذینفع تلاش می‌کنند که با تعهدات قراردادی که محرمانگی یا رازداری نامیده می‌شوند از این گونه انحرافات قراردادی جلوگیری کنند. در این خصوص البته باید شروط عدم رقابت هم مورد بررسی و لحاظ قرار گیرد. این گونه شروط و تعهدات می‌تواند موضوع اصلی قرارداد باشد یا اینکه به عنوان شروط ضمن قراردادها و فرع بر آنها مورد توافق واقع گردد. (Buhler, 2002: 361)

تعهدات محرمانگی مذکور، به طور ویژه در اسناد پیش‌قراردادی که در طول مذاکرات منعقد می‌گردد، به عنوان موضوع اصلی قرارداد مورد تعهد و توافق طرفین واقع می‌شود. (Buhler, 2002: 363) مذاکراتی که برای انعقاد قراردادهای صنعتی صورت می‌پذیرد، تقریباً به این صورت است که ناچاراً لازم می‌شود برخی اطلاعات مربوط به مهارت‌ها و اطلاعات صنعتی افشا گردد؛ دارنده این اطلاعات در صدد است تا بتواند طرف مقابل خود را ملزم نماید که دانش فنی را افشا و یا در صورت

باشند. ممکن است در این شروط آمده باشد که متعهد لازم است تعهد محرمانگی را به همکاران یا مشتریان خود نیز یادآور شود و آنها را به این تعهد ملزم نماید. البته این گونه شروط را می‌توان با منع واگذاری قرارداد اصلی، تقویت کرد.

نکته قابل توجه اینکه همواره به این صورت نیست که تعهد محرمانگی به طور صریح و کتبی عینیت بیابد، بلکه در برخی موارد این تعهد با رفتار دارنده محقق می‌شود، برای نمونه دارنده دانش فنی یا اطلاعات محرمانه، اراده خودش بر حفظ محرمانگی را با درج عبارات «محرمانه» یا «راز» بر اسناد داخل شرکت یا کارخانه یا آزمایشگاه و یا محل کار، ابراز می‌دارد و همین امر می‌تواند مبنای تعهد محرمانگی را بنیان گذارد.

تعهد عدم بهره‌برداری یا تعهد عدم رقابت، از جمله تعهداتی است که موجبات تقویت تعهد محرمانگی مذکور را فراهم می‌آورد. اعتبار این شروط به موجب حقوق قراردادها می‌باشد و در کشورهایی که مقررات عدم رقابت وجود دارد، حقوق رقابت می‌تواند مبنای شروط مذکور قرار گیرد.

عدم اجرای تعهدات محرمانگی، تعهد جبران خسارت وارده بر متعهدله را به دنبال خواهد داشت. در حقیقت نمی‌توان اجرای عین تعهد را از متعهد خواست، چرا که راز افشا شده را نمی‌توان باز گرداند. در مورد بهره‌برداری غیرقانونی و خلاف توافقاتی که بین طرفین صورت گرفته، منطقی آن است که حکم به توقف اجباری اقدامات در حال اجرا داده شود.

نتیجه‌گیری

دانش فنی و ایده‌های اشخاص، اشیای فوق‌العاده ارزشمندی هستند که اجزای ابتدایی بسیاری از اختراعات مبتکرانه را تشکیل می‌دهد. بنابراین، در ارزشمندی و کمیابی آنها، تنازع افراد برای اکتساب اطلاعات مربوطه و نیز، امکان رفع نیازهای افراد به واسطه دانش فنی تردیدی وجود ندارد. مفاهیم بنیادین مالکیت نیز، گرچه به قبل از اختراعات و دانش فنی پیچیده‌ای که اکنون وجود دارد، برمی‌گردد، اما حمایت از این الحاقات اجتماعی در قالب قوانین مالکیتی موجود، یکنواختی و آینده‌نگری را ارتقا می‌بخشد. دانش فنی اطلاعات فنی واجد کارکرد صنعتی، از قبیل طرح‌ها، نقشه‌ها، دستورالعمل‌ها، نرم

شکست مذاکرات از اطلاعات داده شده بهره‌برداری نکند که این تعهدات ممکن است شکل‌های مختلفی به خود بگیرد. (Brooke, 1994: 133)

توافق نسبت به حفظ محرمانگی در بیشتر موارد از شروط ضمن قرارداد به حساب می‌آیند. موضوع اصلی قراردادهای حاوی شروط مزبور، هر چیزی ممکن است باشد: موضوع قرارداد اصلی می‌تواند قرارداد مبادله فنون (تکنیک‌ها) باشد یا قرارداد تحقیقاتی یا ارائه خدمات مدیریتی در حوزه انفورماتیک یا ارائه خدمات پیمانکاری در فرانشیز تجاری یا صنعتی برای تأسیس مجموعه صنعتی و غیره.

تعهدات مزبور، ممکن است به نفع کارفرما و به عهده کارمند در نظر گرفته شود. این تعهد به طور صریح یا ضمنی در قراردادهای کار انفرادی یا جمعی و یا جزو مقررات کارگاه گنجانده می‌شود و نیز ممکن است به موجب تعهد امانتداری که نسبت به حفظ آنچه به مقتضای شغلش در اختیار می‌گیرد، به عهده دارد بر وی تحمیل گردد. عدم رعایت این تعهد ممکن است موجب مسؤولیت مدنی یا جزایی و نیز مجوز اخراج وی قلمداد شود. مدت زمان اعتبار این شروط تا لحظه قطع روابط قراردادی خواهد بود. افشای اطلاعات محرمانه بعد از زمان انفسال از خدمت، می‌تواند موجبات تقصیر و در نتیجه مسؤولیت مدنی کارمند را فراهم آورد، البته این در صورتی است که بین طرفین قراردادی بر خلاف این امور توافقی نشده باشد.

شروط موضوع محرمانگی، دامنه تعهد مذکور را مشخص می‌نمایند: تعهد ممکن است صرفاً به وسیله باشد و شخص موظف گردد که تلاش خود را جهت محرمانه باقی ماندن اطلاعات مبادله شده، انجام دهد. و نیز ممکن است تعهد به نتیجه باشد که در این صورت، مسؤولیت افشای اسرار به عهده وی خواهد بود، مگر آنکه اثبات نماید افشای اطلاعات مذکور از تحت کنترل وی خارج بوده است. شروط همچنین در مورد شیوه اجرای تعهد مذکور نیز، می‌تواند مقررهای داشته باشد، نظیر آنکه شاخصه‌های عینی که برای حفظ محرمانگی باید مد نظر قرار گیرد و رفتارهایی که باید رعایت شود و یا لیست افرادی که می‌تواند اجازه دسترسی به دانش فنی را داشته

رابطه امانی اشاره کرد. البته شیوه‌های حمایت از دانش‌فنی می‌تواند از طریق مسؤولیت مدنی و مسؤولیت قراردادی صورت بگیرد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله بر اساس اصول نگارش حقوقی، تماماً توسط نویسنده انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمامی کسانی که در تهیه این مقاله ما را یاری رساندند تشکر می‌نماییم.

تامین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تامین کننده مالی بوده است.

افزارها و مشاوره‌های مهندسی، می‌باشد که می‌توان به دیگران منتقل نمود و باعث سبقت گرفتن شخص دارنده آن از رقبایش می‌گردد، در دسترس عموم نیست و از حمایت حقوق مالکیت‌های فکری نیز برخوردار نمی‌باشد. بنابراین، ویژگی‌های دانش‌فنی اطلاعاتی است محرمانه که عموم مردم به آن دسترس ندارند، قابل انتقال به غیر می‌باشد، به ثبت نرسیده و همچون حق اختراع قابل حمایت از طریق حقوق مالکیت‌های فکری نیست، از کارکرد عینی برخوردار است و قابل شناسایی و تشخیص می‌باشد. بنابراین، دانش‌فنی متمایز از مقوله‌هایی نظیر حقوق مالکیت‌های فکری، مهارت‌های دستی، برنامه‌های کامپیوتری و اطلاعات تجاری می‌باشد.

با توجه به ویژگی‌هایی که برای دانش فنی شمرده شد و نیز با توجه به عناصری که در بیان علمای شریعت و حقوق برای مالیت اشیاء عنوان شد، نتیجه می‌شود که دانش فنی مال به حساب می‌آید و در نهایت اینکه، این نوع از اطلاعات در زمره اعیان قرار نمی‌گیرند بلکه واقعیت خاصی است که به کمک آن می‌توان ایده‌های افراد را مورد حمایت قرار داد. نظریه‌های مختلفی برای حمایت از دانش‌فنی عنوان شده‌اند که از جمله آنها می‌توان به تئوری رابطه قراردادی، داراشدن بلاجهت و

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- آخوند خراسانی، محمد کاظم (۱۴۰۶). *حاشیه المکاسب*. تهران: وزارت ارشاد.
- ابن اثیر، مبارک (۱۳۶۷). *النهاییه فی غریب الحدیث و الاثر*. جلد چهارم، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- ابن منظور، محمد (بی تا). *لسان العرب*. قم: نشر ادب الحوزه.
- بحرانی، یوسف ابن احمد (۱۴۰۵). *حداثق الناظره فی احکام عتره الطاهره*. جلد هجدهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به مدرسین حوزه علمیه قم.
- الجزیری، عبد الرحمن (۱۴۱۹). *الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت (ع)*. جلد پنجم، قم: دارالتقلین.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۶). *الفارق*. جلد چهارم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۸). *ترمینولوژی حقوق*. چاپ چهارم، تهران: گنج دانش.
- حکمت‌نیا، محمود (۱۳۸۷). *مبانی مالکیت فکری*. چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه فقه و اندیشه اسلامی.
- حکیم، سید محسن (۱۴۰۰). *نهج الفقاهه*. قم: انتشارات ۲۲ بهمن.
- خمینی، سید روح اله (۱۴۱۳). *کتاب البیع*. جلد اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خوانساری، سید احمد (۱۳۶۴). *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*. جلد سوم، چاپ دوم، قم: موسسه اسماعیلیان.
- خوبی، سید ابو القاسم (۱۴۱۲). *مصباح الفقاهه (المکاسب)*. جلد دوم، قم: مکتب نشر المنتخب.
- دهخدا، اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- روحانی، سید محمد صادق (۱۳۸۹). *فقه الصادق*. جلد چهاردهم، چاپ پنجم، قم: نشر شروق.
- سربازیان، مجید (۱۳۸۹). *قراردادهای بین‌المللی انتقال دانش فنی*. رساله دکتری به راهنمایی دکتر عبدالحسین شیروی، قم: پردیس فارابی دانشگاه تهران.
- شبیر، محمد عثمان (۱۴۱۸). *المعاملات المالیة المعاصرة فی الفقه الاسلامی*. اردن: دارالفنایس.
- شهیدی، مهدی (۱۳۷۷). *تشکیل قراردادهای و تعهدات*. تهران: نشر حقوقدان.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۵). *حقوق مدنی*. چاپ پنجم، تهران: انتشارات مجد.
- علم‌الهدی، مرتضی (۱۴۱۵). *الاتصار*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- عمید، حسن (۱۳۹۰). *فرهنگ عمید*. چاپ سی و هشتم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- غروی اصفهانی، محمد حسین (۱۴۱۸). *حاشیة کتاب المکاسب*. جلد پنجم، قم: نشر محقق.
- فراهیدی، خلیل ابن احمد (۱۴۰۵). *العین*. جلد هشتم، قم: دارالهجره.
- قاسم زاده، سید مرتضی (۱۳۸۳). *اصول قراردادهای و تعهدات*. تهران: نشر دادگستر.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۳). *دوره عقود معین*. چاپ پنجم، تهران: شرکت انتشار.

- Chavanne, A (1998). "Protecting Trade Secrets: A Worldwide Survey". *Managing Intell. Prop Journal*, 2(1): 531-545.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶). *اموال و مالکیت*. تهران: نشر دادگستر.
- Cornish, W (1996). *Intellectual Property: Patents, Copyright, Trade Marks, and Allied Rights*. UK: Sweet & Maxwell.
- محقق کرکی، علی (۱۴۱۴). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. جلد چهارم، چاپ دوم، قم: موسسه آل‌ال‌بیت علیهم‌السلام.
- Czapracka, A & Santa, C (2008). "Antitrust and Trade Secrets: The U.S. and EU Approach". *Computer & High Tech. L.J.* 24(1): 230-235..
- مرتضوی لنگرودی، محمد مهدی (بی‌تا). *شرح عبد‌الصاحب علی‌المکاسب*. جلد اول، قم: مکتبه المفید.
- Régis, F (1976). *Le Knowhow: Sa Réserve en Droit Commun*. France: NP.
- مروج جزائری، سید محمد جعفر (۱۴۱۶). *حاشیه عروه الوثقی*. جلد اول، قم: مؤسسه دار‌الکتاب.
- Risch, M (2007). "Why Do We Have Trade Secrets?". *MARQ. INTELL. PROP. L. REV.*, 11(1): 45-65.
- منتظری، حسینعلی (۱۴۱۵). *دراسات فی‌المکاسب المحرمه*. جلد دوم، قم: نشر دار‌الفکر.
- ج. پرونده‌های حقوقی**
- Boats Bonito, Inc. v. Thunder Craft Boats, Inc. 489 U.S. 141, 155 (1989).
- نائینی، میرزا محمد (۱۳۷۳). *حواشی علی‌العروه الوثقی*. جلد اول، تهران: المکتب‌المحمدیه.
- Carpenter v. United States, 484 U.S. 19 (1987).
- نراقی، احمد (۱۴۱۵). *مستند الشیعه فی احکام الشریعه*. جلد چهاردهم، قم: موسسه آل‌ال‌بیت.
- Fraser v. Evans [1969] 1 All E.R. 8 (U.K.).
- یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۱۰). *حاشیه‌المکاسب*. جلد اول، قم: موسسه اسماعیلیان.
- House of Spring Gardens Ltd. v. Point Blank Ltd., [1983] F.S.R. 213, 253 (Ir.)
- ب. منابع خارجی**
- Matarese v. Moore McCormack Lines, Inc., 71 USPQ 311 (2e Cir. 1946).
- Brooke, M (1994). *The International Sale of Patents and Technical Knowhow*. US: Gower Publishing.
- Osborn v. Boeing Airplane Co., 135 USPQ 145 (9e Cir. 1962).
- Buhler, M (2002). "Confidentiality Clauses in International Contracts". *International Business Law Journal*, 3(4): 361-381.

References

- Akhound Khorasani, MK (1406). Hashie Makaseb. Tehran: Ministry of Culture Publishing. (Arabic)
- Alam Al-Hoda, M (1415). Al-Entesar. Qum: Islamic Publishing Institute. (Arabic)
- Al-Jaziri, A (1419). Al-Fegh Ala Mazaheb Al-Arbaca. Vol 5, Qum: Saghlain Publishing. (Arabic)
- Amid, H (1390). Amid Persian Dictionary. 38th ed. Tehran: Amirkabir Publishing. (Persian)
- Bahrani, Y (1405). Hadaegh Al-Nazera. Vol 18, Qum: Islamic Publishing. (Arabic)
- Boats Bonito, Inc. v. Thunder Craft Boats, Inc. 489 U.S. 141, 155 (1989).
- Brooke, M (1994). *The International Sale of Patents and Technical Knowhow*. US: Gower Publishing.
- Buhler, M (2002). "Confidentiality Clauses in International Contracts". *International Business Law Journal*, 3(4): 361-381.
- Carpenter v. United States, 484 U.S. 19 (1987).
- Chavanne, A (1998). "Protecting Trade Secrets: A Worldwide Survey". *Managing Intell. Prop Journal*, 2(1): 531-545.
- Cornish, W (1996). *Intellectual Property: Patents, Copyright, Trade Marks, and Allied Rights*. UK: Sweet & Maxwell.
- Czapracka, A & Santa, C (2008). "Antitrust and Trade Secrets: The U.S. and EU Approach". *Computer & High Tech. L.J.* 24(1): 230-235..
- Dekhoda, A (1377). Dekhoda Persian Dictionary. Tehran: Tehran University Publishing. (Persian)
- Farahidi, Kh (1405). Al-Ein. Vol 8, Qum: Al-Hejra Publishing. (Arabic)
- Fraser v. Evans [1969] 1 All E.R. 8 (U.K.).
- Gharavi Esfahani, MH (1418). Hashie Al-Makaseb. Vol 5, Qum: Mohaghegh Publishing. (Arabic)
- Ghasem Zadeh, SM (1383). Principle of Contracts and Obligations. Tehran: Dadgostar Publishing. (Persian)
- Hakim, SM (1400). Nahj Al-feghaha. Qum: 22 Bahman Publishing. (Arabic)
- Hekmat Nia, M (1387). Basis of Intellectual Property. 2nd ed. Tehran: Fegh va Anishe Publishing. (Persian)
- House of Spring Gardens Ltd. v. Point Blank Ltd., [1983] F.S.R. 213, 253 (Ir.)
- Ibn Asir, M (1367). Al-Nahaye. Vol 4, Qum: Esmailian Publishing. (Arabic)
- Ibn Manzur, M (N.D). Lesan Al-Arab. Qum: Adab Publishing. (Arabic)
- Jafari Langroudi, MJ (1378). Law Terminology. 4th ed. Tehran: Ganje Danesh Publishing. (Persian)
- Jafari Langroudi, MJ (1386). Al-Fareq. Vol 4, Tehran: Ganje Danesh Publishing. (Persian)
- Katouzian, N (1373). Special Contracts. 5th ed. Tehran: Enteshar Publishing. (Persian)
- Katouzian, N (1376). Properties and Ownership. Tehran: Dadgostar Publishing. (Persian)
- Khansari, SA (1364). Jame Al-Madarek. Vol 3, 2nd ed. Qum: Esmailian Publishing. (Arabic)
- Khomeini, SR (1413). Ketab Al-Beie. Vol 1, Tehran: Imam Khomeini Publishing. (Arabic)
- Khoui, SA (1412). Mesbah Al-Feghaha. Vol 2, Qum: Al-Montakhab Publishing. (Arabic)

- Matarese v. Moore McCornack Lines, Inc., 71 USPQ 311 (2e Cir. 1946).
- Mohaghagh Karaki, A (1414). Jame Al-Maghased. Vol 4, 2nd ed. Al-Albeit Publishing. (Arabic)
- Montazeri, H (1415). Derasat Fi Al-Makaseb. Vol 2, Qum: Al-Fekr Publishing. (Arabic)
- Moravej Jazaieri, SMJ (1416). Hashie Orve. Vol 1, Qum : Al-Keteb Publishing. (Arabic)
- Mortazavi Langroudi, MM (N.D.). Abd Al-Saheb. Vol 1, Qum: Al-Mofid. (Arabic)
- Naeeni, MM (1373). Havashi Ala Orve. Vol 1, Tehan: Mohamadi Publishing. (Arabic)
- Naraghi, A (1415). Mostanad Al-Shia. Vol 14, Qum: Al-Albeit Publishing. (Arabic)
- Osborn v. Boeing Airplane Co., 135 USPQ 145 (9e Cir. 1962).
- Régis, F (1976). Le Knowhow: Sa Réserve en Droit Commun. France: NP.
- Risch, M (2007). “Why Do We Have Trade Secrets?”. *MARQ. INTELL. PROP. L. REV.*, 11(1): 45-65.
- Rouhani, SMS (1389). Fegh Al-Sadegh. Vol 14, 5th ed. Qum: Shorough Publishing. (Arabic)
- Sarbazian, M (1389). International Contracts of “Knowhow”. PhD thesis under supervision of Dr. Shiravi, Qum: University of Tehran (Farabi). (Persian)
- Shahidi, M (1377). Formation of Contracts and Obligations. Tehran: Hoghoghdan Publishing. (Persian)
- Shahidi, M (1385). Civil Law 6. 5th ed. Tehran: Majd Publishing. (Persian)
- Shobair, MO (1418). Al-Moamelat Al-Mali. Jordan: Al-Nafaes Publishing. (Arabic)
- Yazdi, SMK (1410). Hashie Al-Makaseb. Vol 1, Qum: Esmailian Publishing. (Arabic)